



کیفیت آرای نماینده در گرو فعالیت احزاب قوی

آیا شفافیت آرای نمایندگان می‌تواند به افزایش کیفیت رای آنان در بررسی طرح‌ها و لوایح کمک کند؟

۱۰

۵شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ | ۱۵ شوال ۱۴۴۳ | ۴۱ سالگی | شماره ۸۴۹۸۴

چرخ تحول مترو به گردش درآمد

معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران: ۹۰۰ چرخ واگن حمل‌ونقل زیرزمینی تهران از گمرک ترخیص شد

۱۲



نیاز به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان برای ۲۰ میلیون فیبر نوری

مقام‌های شرکت مخابرات:برای تحقق وعده ۲۰ میلیون پورت فیبر نوری به سرمایه‌گذاری گسترده نیاز است

۱۱



همیشه بزرگ جامعه



فروش قلب؛ دروغ بزرگ

نایب‌رئیس هیأت مدیره انجمن اهدای عضو ایرانیان جزئیات ماجرای اعلام فروش برخی ارگان‌های حیاتی از فرد زنده را تشریح کرد به‌گفته او، تنها عضوی که می‌توان از فرد زنده دریافت کرد، «کلیه» و بخشی از «کبد» است

گزارش

زهراجعفرزاده روزنامه‌نگار

یشت برده ادعای فروش ارگان‌های حیاتی از فرد زنده می‌دهد.

چندروزی است که ماجرای فروش قلب و سایر اعضای حیاتی از سوی یک فرد زنده به صورت یک ویدئو در فضای مجازی دست به‌دست می‌شود. مردی پشت تلفن، به تماس‌گیرنده می‌گوید حاضر است تمام اعضای بدنش را در مقابل پول بفروشد. قیمت؟ مشخص نیست. به اندازه‌ای که بشود هزینه زندگی ۷ نفر تأمین شود. خانه‌دار شوند و سرمایه‌های گسترده‌ای در فضای مجازی داشت و خیلی‌ها فراموش کردند این موضوع را به شرایط اقتصادی ارتباط دادند. اما فراتر از این ماجرا، موضوع فروش ارگان‌های حیاتی از سوی افراد زنده است. پیش از این هم آگهی‌های فروش قرنیه، خیر ساز شده بود؛ اتفاقی که منجر به تأیید شدن فرد فروشنده می‌شود. متخصصان قلب می‌گویند امکان ندارد فرد زنده‌ای بتواند قلب یا حتی سسایر ارگان‌های حیاتی‌اش را بفروشد. برخی هم عنوان می‌کنند که آگهی فروش اعضای بدن، یا کلاهبرداری است و یا برای جلب کمک‌های مالی مردمی. امید قیادی، نایب‌رئیس هیأت مدیره انجمن اهدای عضو ایرانیان است و درباره آگهی فروش اعضای حیاتی، توضیح می‌دهد. به گفته او،

در هیچ کشوری امکان فروش عضوی غیر از «کلیه» از فرد زنده وجود ندارد و فروش سایر ارگان‌ها به هیچ‌وجه نه به‌صورت زیرزمینی و نه قانونی وجود ندارد. نیازمندان به عضو اهدایی، در سامانه تخصیص عضو وزارت بهداشت ثبت مشخصات شده‌اند و خارج از این سامانه امکان اهدا یا فروش عضو وجود ندارد. آمارهای منتشر شده از وضعیت نیاز به عضو پیوندی در ایران نشان می‌دهد با اینکه سالانه بین ۸ تا ۸ هزار نفر در کشور دچار مرگ مغزی می‌شوند و قابلیت اهدای ۴ تا ۴ هزار عضو دارند، اما در نهایت هر سال حدود هزار اهدای عضو از سوی افراد مرگ مغزی شده، صورت می‌گیرد. در چنین وضعیتی روزانه ۷ تا ۱۰ بیمار نیازمند پیوند عضو هم‌چانشان را از دست می‌دهند. حالا در وضعیتی که برای

جلب رضایت خانواده بیمار مرگ مغزی شده تلاش‌های زیادی می‌شود، رئیس هیأت مدیره انجمن اهدای عضو ایرانیان، از ادعای فروش ارگان‌های حیاتی انتقاد می‌کند. به‌گفته او، افرادی با انتشار آگهی‌های فروش ارگان‌های حیاتی، از نیازمندان به پیوند کلاهبرداری به‌طور مرتب به وزارت بهداشت و انجمن اهدای عضو داده می‌شود. قیادی در گفت‌وگو با همشهری توضیح بیشتری درباره

وجود دارد. مثلاً حدود ۲۰ هزار بیمار نیازمند کلیه داریم و ۵ تا ۶ هزار بیمار نیازمند کبد که تمام این افراد در سامانه شناخته‌شده هستند. وقتی فردی دچار مرگ مغزی می‌شود، اولین اتفاقی که می‌افتد، بررسی مشخصات آن فرد از نظر گروه خون، قد و سایز و سایر پارامترهای دیگر است تا مشخص شود چقدر با گیرنده تطابق دارد. در این سامانه بررسی می‌شود که افراد از نظر بافت‌شناسی چقدر با هم هماهنگ‌اند. در نهایت ممکن است این اطلاعات تنها برای ۱۰ تا ۱۵ نفر، همخوانی داشته باشد. حالا سوال این است که یک فروشنده قلب، چطور می‌خواهد قلبش را بفروشد؟ مگر قلب، ماده غذایی است که یک مشتری به این راحتی پیدا شود؟

حالا اگر تصور کنیم که یک خریدار هم پیدا شد که نیاز به قلب داشت، از کجا می‌خواهد بداند که این قلب با بدنش هماهنگ است؟ نمی‌شود قلب را به هر کسی با هر گروه خونی و مشخصات بدنی اهدا کرد.

در سال‌های گذشته کم و بیش با چنین آگهی‌هایی برای فروش ارگان‌های حیاتی از افراد زنده مواجه بوده‌ایم، با اینکه کاملاً مشخص است امکان چنین پیوندی وجود ندارد، چرا و چطور این مسائل مطرح می‌شود؟

در همه‌جای دنیا، موضوع قاچاق ارگان و عضو، به ویژه در برخی از کشورها، وجود دارد، اما تمام اینها در مورد «کلیه» امکان‌پذیر است. بنابراین زمانی که فردی می‌گوید می‌خواهم قلبم را بفروشم، این موضوع قطعاً از نظر علمی، کلاهبرداری است.

مورادی به شما گزارش شده که به این صورت از آنها کلاهبرداری شده باشد؟
بله. سالانه شاید چند صد نفر به ما و وزارت بهداشت مراجعه می‌کنند که به این شیوه از آنها کلاهبرداری شده است. افرادی هستند که در راهروی مراکز پیوند تردد می‌کنند و

در همه‌جای دنیا، موضوع قاچاق ارگان و عضو، به ویژه در برخی از کشورها، وجود دارد، اما تمام اینها در مورد «کلیه» امکان‌پذیر است.

از سال ۹۳، بر اساس مصوبه شورای عالی پیوند وزارت بهداشت، انجام پیوند عضو در بیمارستان‌های خصوصی، ممنوع شد. بنابراین تمام این‌ساز و کارها در بیمارستان‌های دولتی انجام می‌شود. نکته بعدی هم پیگیری وضعیت بیماران است. اینطور نیست که یک نفر پیوند کلیه انجام دهد و برود. این فرد تا آخر عمر، باید تحت نظر باشد

نیازمندان به عضو را شناسایی می‌کنند. مثلاً متوجه می‌شوند فرد به ریه یا قلب و کبد و… نیاز دارد، به او قیمت ۳۰۰ میلیون تومان پیشنهاد می‌کنند با ۵۰ میلیون پول پیش. پول پیش را می‌گیرند دیگر پدیدایشان نمی‌شود. در هیچ‌جای دنیا جز برای «کلیه»، از یک فرد زنده نمی‌توان عضوی را به صورت کامل برداشت.

امکان دارد در ایران به صورت زیرزمینی، فروش و پیوند «کلیه» انجام شود؟
خیر. به دلیل وجود سامانه تخصیص عضو، این امکان وجود ندارد. به‌طور کلی میزان هماهنگ‌کردن کلیه برای گیرنده و دهنده، حساس‌تر از قلب و ریه است. در ایران ۳۴ مرکز پیوند کلیه وجود دارد و از سال ۹۳، بر اساس دستورالعمل‌های وزارت بهداشت، انجام پیوند عضو در بیمارستان‌های خصوصی، ممنوع شد. بنابراین تمام این‌سازوکارها در بیمارستان دولتی انجام می‌شود. نکته بعدی هم پیگیری وضعیت بیماران است. اینطور نیست که یک نفر پیوند کلیه انجام دهد و برود. این فرد تا آخر عمر، باید تحت نظر باشد. در ماه‌های اول هر ماه و بعد چهارم یک بار باید معاینه و ویزیت‌های حرفه‌ای شود.

به نظر شما، چطور می‌توان در این زمینه اطلاع‌رسانی بیشتری کرد تا افراد فریب این تبلیغات را نخورند؟

نکته اینجاست که ما باید یک بار، مسیر را از عقب برویم. خاطرم است یک‌بار برای تهیه گزارش از فردی که ادعا کرده بود قلبش را می‌فروشد، با یک تیم تلویزیونی همراه شدم، اما با اینکه قرار قبلی هماهنگ شده بود اما هیچ‌وقت آن فروشنده قلب خبری نشد. من به رسانه‌ها پیشنهاد می‌دهم فراخوانی بزنند و اعلام کنند یک نفر که به این شکل عضو خریده، بیاید و خودش را معرفی کند تا ما ببینیم اگر چنین اتفاقی افتاده مشکل از کجاست و آن‌را اصلاح کنیم.

از این موارد زیاد به شما گزارش می‌شود؟
ما متوجه شده‌ایم افرادی هستند که آگهی فروش اعضای حیاتی را به در و دیوار می‌زنند و از وضعیت اقتصادی مردم سوءاستفاده می‌کنند. ما هم‌اکنون در شرایط خاص اقتصادی قرار داریم و به هر حال برخی از این‌س خبرها برای تخریب روحیه مردم سوءاستفاده می‌کنند. در حالی که خود رسانه‌های که چنین اخباری را منتشر می‌کند، واقعا نمی‌داند که چنین امکانی وجود ندارد؟ برخی از مطرح‌کنندگان این موضوع، ممکن است بیمار باشند و مشکل روانپزشکی داشته باشند و واقعا نیاز به درمان دارند. حتی کسی که چنین گزارشی را تهیه می‌کند، واقعا نیاز به کمک دارد.

یعنی از نظر شما این اقدامات سازماندهی شده است؟

چندین بار از طرف خود انجمن و حتی وزارت بهداشت، به پلیس نامه مغازی می‌شود، اولین اتفاقی که می‌افتد، بررسی مشخصات آن فرد از نظر گروه خون، قد و سایز و سایر پارامترهای دیگر است تا مشخص شود چقدر با گیرنده تطابق دارد. در این سامانه بررسی می‌شود که افراد از نظر بافت‌شناسی چقدر با هم هماهنگ‌اند

بله کاملاً.

برخی می‌گویند این آگهی‌ها به دلیل نیاز مالی افراد داده می‌شود. یعنی شاید واقعا فرد نمی‌خواهد ارگانش را به قیمت تمام‌شدن جانش، بفروشد، اما این موضوع را مطرح می‌کنند تا به او کمک مالی شود. ممکن است پشت این ماجرا، چنین نیت‌هایی وجود داشته باشد؟

بله، شاید هم اینطور باشد. اما بازتاب‌های خیری آن بسیار وسیع و منفی است. تاکنون افرادی که به این شیوه سوءاستفاده می‌کنند، شناسایی شده‌اند؟ یعنی شما موضوع را به پلیس اطلاع داده‌اید؟
ما چندین بار از طرف خود انجمن و حتی وزارت بهداشت، به پلیس نامه زده‌ایم و موضوع را اعلام کرده‌ایم. به هر حال یک‌سال‌ومیوه است که اختصاص «کلیه» و پیوند آن در دست وزارت بهداشت است و حتی دیگر از طریق انجمن حمایت از بیماران «کلیه» هم این اتفاق نمی‌افتد. تمام کارها زیر نظر وزارت بهداشت است. به همین دلیل امکان پیوند خارج از این چرخه نیست. برای ما هم این امکان وجود ندارد. منتشرکنندگان این آگهی‌ها را شناسایی کنیم و آنها را به پلیس معرفی کنیم.

عجیب‌ترین اتفاقی که عیب‌ترین آن است. فروش قرنیه هم عجیب است اما منجر به مرگ فرد نمی‌شود؛ چراکه یک نسج به شمار می‌رود و می‌توان به طور کامل، آن را برداشت اما فرد نابینا می‌شود. به هر حال انتشار این آگهی‌ها به شدت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این نشان می‌دهد که مردم هنوز آگاهی لازم در این زمینه ندارند.

بله، من حتی بعید می‌دانم به یک نفر ۱۰ میلیارد تومان بدهیم و او حاضر باشد مثل قلبش را بفروشد.

نکته‌ها

تنها عضوی که از فرد زنده می‌توان دریافت کرد، «کلیه» است. یعنی یک کلیه به‌طور کامل قابلیت اهدا از سوی فرد زنده را دارد. البته درباره کبد هم این اتفاق می‌افتد اما شرایط خاص دارد. یعنی تنها بخشی از کبد امکان پیوند دارد، البته از سوی اعضای درجه یک خانواده، یعنی پدر و مادر و فرزندان یا فردی که با گیرنده هخونی داشته باشد. غیر از این امکان پیوند بخشی از کبد وجود ندارد. البته در برخی کشورها، بخش کوچکی از ریه هم پیوند زده می‌شود که این کار در ایران انجام نمی‌شود. بنابراین تنها عضوی که به صورت کامل امکان پیوند از فرد زنده است، همان «کلیه» است که آن هم ساز و کار خودش را دارد

موضوع از دواج با تغییر در شیوه‌های ارتباطی در کنار رشد شبکه‌های اجتماعی با سرعت سرسام‌آور در حال جلو‌زدن از فرهنگ و اصول همیشگی جامعه ایران است. این تغییر رویکرد از حدود ۲۰ سال پیش آغاز شده؛ یافتن گزینه مورد نظر برای ازدواج از خانواده و شیوه سنتی به دانشگاه‌ها، سپس به محیط کار و بعد به آشنایی در گروه دوستان منتقل شد و حالا وارد فاز جدیدی به نام سایت‌ها و اپلیکیشن‌های همسرایی شده است. جست‌وجو برای یافتن همسر مناسب از سال‌ها پیش در سایت‌های همسرایی مجاز شروع شد و حالا اپلیکیشن‌های غیرمجاز و خارجی هم در دسترس متقاضیان ازدواج قرار دارند اما چقدر می‌شود به این اپلیکیشن‌های خارجی اعتماد کرد؟ آیا مورد مناسبی در این گزینه‌های مجازی پیدا می‌شود؟

این گزارش حاصل عضویت در یکی از اپ‌های خارجی بر طرفدار میان پسران و دختران ایرانی، به قصد به‌دست آوردن اطلاعاتی واقعی از جریان حاکم بر این گزینه‌های همسرایی است. نخستین نکته‌ای که پس از عضویت در این اپلیکیشن مورد توجه قرار می‌گیرد، تغییر نحوه ارتباط اعضاست. بعد از جنبش «هشتگ من‌هم» که برای نشان‌دادن شیوع گسترده آزار جنسی زنان در جهان مطرح شد، بعضی اپلیکیشن‌های همسرایی رویه معمول خود را تغییر دادند و شیوه‌های جدید را در اپلیکیشن‌های خود به کار گرفتند. به این ترتیب تنها خانم‌ها می‌توانند شروع کننده ارتباط و پیام باشند و آقایان باید منتظر شوند تا از طرف خانم‌ها انتخاب شده و میزان و اندازه ارتباط باشند و اگر کسی مزاحمتی برایشان ایجاد کرد آن را گزارش و یا شخص مورد نظر را بلاک کنند. البته این رویکرد باعث تغییری در نمایشی بودن اغلب پروفایل‌ها نشده است؛ این‌اپ همسرایی که مدتی است به‌شدت مورد توجه دختران و پسران ایرانی قرار گرفته، در حقیقت فضایی است رقابتی برای نمایش هر چه بیشتر دارایی‌ها و امکانات لاکچری افراد مختلفی

که در آن عضو می‌شوند. در این‌اب پسرانی را می‌بینید که در ظاهر همه‌شان با عکس‌های لاکچری، لوکیشن‌های بالای شهر، شغل‌ها و تحصیلات عالی حضور دارند اما یا به‌طور کل اعتقادی به ازدواج ندارند و یا اصلاً اطلاعاتشان با واقعیت فاصله‌ای بسیار دارد. خیلی‌هایشان به قول خودشان فیک هستند و اگر از‌شان بپرسید چرا اطلاعات خود را به دروغ نوشته‌اند؟ پاسخ می‌دهند: «همان کاری را کرده‌ایم که دخترها بلدان می‌خواهد. دخترها دوست دارند تنها با پسرانی ارتباط بگیرند یا ازدواج کنند که وضع مالی خوبی دارند.» آن تعداد اندکی هم که تصمیمی جدی برای ازدواج دارند، در جست‌وجوی دختری در سطح و اندازه خودشان یا حتی بالاتر از خودشان هستند که هزینه‌های سرسام‌آور اقتصادی تقسیم شود. به قول معروف دنبال دختر پولدار می‌گردند. اما دختری هم که در این‌اب حضور دارند شرایطشان فرقی با پسرها ندارد؛ آنها هم تصاویر مشابهی از زندگی نمایشی این روزهایشان گذاشته‌اند که به‌گفته همین پسران اکثرشان فیک هستند.

پس اگر باهمه این توضیحات باز هم می‌خواهید به این اپ‌ها سر بزنید باید خودتان را برای یک سؤال مهم آماده کنید، سؤالی که بدون تردید در شروع ارتباط از شما پرسیده می‌شود: «کجای تهران زندگی می‌کنید؟» اگر جایی پایین‌تر از فرشته و نیابوران باشید مورد توجه قرار نمی‌گیرید و باید بدانید که خیلی‌ها خیلی نامحسوس ناپدید می‌شوند. موضوع قابل توجه دیگر محدوده سنی افرادی است که در این‌اب عضو شده‌اند. براساس تحقیقاتی که در حوزه خانواده انجام شده سن درست ازدواج بین ۲۵ تا ۳۵ سالگی است و این در حالی است که به‌طور معمول افرادی در این اپ‌ها حضور دارند که از قافله ازدواج و تشکیل خانواده جانم‌دهاند و حالا در سن حدود ۳۵ تا ۴۵ سالگی اندکی به تاریخ انقضای ازدواجشان مانده و می‌خواهند همسر خود را پیدا کنند.

نکته عجیب دیگر حضور بی‌شمار مردان متاهل مجرد ناماست که امکانات مالی خوبی دارند و با مجرد نشان دادن خود به‌دنبال دوستی و ارتباط کوتاه‌مدت هستند که به‌گفته خودشان تا بیایی دروغ‌هایشان را متوجه شوی فریب خورده‌ای. کافی است کمی جدی باشید و حرف از رابطه جدی بزنید؛ به سرعت تعداد زیادی از گزینه‌هایی که فکر می‌کردید خیلی مناسب هستند ناپدید می‌شوند. حالا اگر شما به‌عنوان یک خانم مجرد به این امید باشید که شاید گزینه مناسبی در اینجا پیدا شود و با یک تصمیم قاطعانه، به‌جای سؤوال‌های تکراری در همان ابتدا اعلام کنید پاسخ می‌دهند: «دنبال شوهری؟ جای اشتباهی اومدی…» اصلاً کلیس‌دوازه «دواج» برایشان خنده‌دار است.

افرادی هستند که در راهروی مراکز پیوند تردد می‌کنند و نیازمندان به عضو را شناسایی می‌کنند. مثلاً متوجه می‌شوند که اختصاص «کلیه» و پیوند آن در دست وزارت بهداشت است و حتی دیگر از طریق انجمن حمایت از بیماران «کلیه» هم این اتفاق نمی‌افتد. تمام کارها زیر نظر وزارت بهداشت است. به همین دلیل امکان پیوند خارج از این چرخه نیست. برای ما هم این امکان وجود ندارد. منتشرکنندگان این آگهی‌ها را شناسایی کنیم و آنها را به پلیس معرفی کنیم.

عجیب‌ترین اتفاقی که تاکنون شنیده‌اید، چیست؟
قلب، عجیب‌ترین آن است. فروش قرنیه هم عجیب است اما منجر به مرگ فرد نمی‌شود؛ چراکه یک نسج به شمار می‌رود و می‌توان به طور کامل، آن را برداشت اما فرد نابینا می‌شود. به هر حال انتشار این آگهی‌ها به شدت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این نشان می‌دهد که مردم هنوز آگاهی لازم در این زمینه ندارند.

بله، من حتی بعید می‌دانم به یک نفر ۱۰ میلیارد تومان بدهیم و او حاضر باشد مثل قلبش را بفروشد.

مهلا در بیان روزنامه‌نگار

همسر موردنظر در دسترس نیست

گزارشی از چند روز جست‌وجو در اپ‌های خارجی زوج‌یابی

موضوع از دواج با تغییر در شیوه‌های ارتباطی در کنار رشد شبکه‌های اجتماعی با سرعت سرسام‌آور در حال جلو‌زدن از فرهنگ و اصول همیشگی جامعه ایران است. این تغییر رویکرد از حدود ۲۰ سال پیش آغاز شده؛ یافتن گزینه مورد نظر برای ازدواج از خانواده و شیوه سنتی به دانشگاه‌ها، سپس به محیط کار و بعد به آشنایی در گروه دوستان منتقل شد و حالا وارد فاز جدیدی به نام سایت‌ها و اپلیکیشن‌های همسرایی شده است. جست‌وجو برای یافتن همسر مناسب از سال‌ها پیش در سایت‌های همسرایی مجاز شروع شد و حالا اپلیکیشن‌های غیرمجاز و خارجی هم در دسترس متقاضیان ازدواج قرار دارند اما چقدر می‌شود به این اپلیکیشن‌های خارجی اعتماد کرد؟ آیا مورد مناسبی در این گزینه‌های مجازی پیدا می‌شود؟

این گزارش حاصل عضویت در یکی از اپ‌های خارجی بر طرفدار میان پسران و دختران ایرانی، به قصد به‌دست آوردن اطلاعاتی واقعی از جریان حاکم بر این گزینه‌های همسرایی است. نخستین نکته‌ای که پس از عضویت در این اپلیکیشن مورد توجه قرار می‌گیرد، تغییر نحوه ارتباط اعضاست. بعد از جنبش «هشتگ من‌هم» که برای نشان‌دادن شیوع گسترده آزار جنسی زنان در جهان مطرح شد، بعضی اپلیکیشن‌های همسرایی رویه معمول خود را تغییر دادند و شیوه‌های جدید را در اپلیکیشن‌های خود به کار گرفتند. به این ترتیب تنها خانم‌ها می‌توانند شروع کننده ارتباط و پیام باشند و آقایان باید منتظر شوند تا از طرف خانم‌ها انتخاب شده و میزان و اندازه ارتباط باشند و اگر کسی مزاحمتی برایشان ایجاد کرد آن را گزارش و یا شخص مورد نظر را بلاک کنند. البته این رویکرد باعث تغییری در نمایشی بودن اغلب پروفایل‌ها نشده است؛ این‌اپ همسرایی که مدتی است به‌شدت مورد توجه دختران و پسران ایرانی قرار گرفته، در حقیقت فضایی است رقابتی برای نمایش هر چه بیشتر دارایی‌ها و امکانات لاکچری افراد مختلفی

که در آن عضو می‌شوند. در این‌اب پسرانی را می‌بینید که در ظاهر همه‌شان با عکس‌های لاکچری، لوکیشن‌های بالای شهر، شغل‌ها و تحصیلات عالی حضور دارند اما یا به‌طور کل اعتقادی به ازدواج ندارند و یا اصلاً اطلاعاتشان با واقعیت فاصله‌ای بسیار دارد. خیلی‌هایشان به قول خودشان فیک هستند و اگر از‌شان بپرسید چرا اطلاعات خود را به دروغ نوشته‌اند؟ پاسخ می‌دهند: «همان کاری را کرده‌ایم که دخترها بلدان می‌خواهد. دخترها دوست دارند تنها با پسرانی ارتباط بگیرند یا ازدواج کنند که وضع مالی خوبی دارند.» آن تعداد اندکی هم که تصمیمی جدی برای ازدواج دارند، در جست‌وجوی دختری در سطح و اندازه خودشان یا حتی بالاتر از خودشان هستند که هزینه‌های سرسام‌آور اقتصادی تقسیم شود. به قول معروف دنبال دختر پولدار می‌گردند. اما دختری هم که در این‌اب حضور دارند شرایطشان فرقی با پسرها ندارد؛ آنها هم تصاویر مشابهی از زندگی نمایشی این روزهایشان گذاشته‌اند که به‌گفته همین پسران اکثرشان فیک هستند.

پس اگر باهمه این توضیحات باز هم می‌خواهید به این اپ‌ها سر بزنید باید خودتان را برای یک سؤال مهم آماده کنید، سؤالی که بدون تردید در شروع ارتباط از شما پرسیده می‌شود: «کجای تهران زندگی می‌کنید؟» اگر جایی پایین‌تر از فرشته و نیابوران باشید مورد توجه قرار نمی‌گیرید و باید بدانید که خیلی‌ها خیلی نامحسوس ناپدید می‌شوند. موضوع قابل توجه دیگر محدوده سنی افرادی است که در این‌اب عضو شده‌اند. براساس تحقیقاتی که در حوزه خانواده انجام شده سن درست ازدواج بین ۲۵ تا ۳۵ سالگی است و این در حالی است که به‌طور معمول افرادی در این اپ‌ها حضور دارند که از قافله ازدواج و تشکیل خانواده جانم‌دهاند و حالا در سن حدود ۳۵ تا ۴۵ سالگی اندکی به تاریخ انقضای ازدواجشان مانده و می‌خواهند همسر خود را پیدا کنند.

نکته عجیب دیگر حضور بی‌شمار مردان متاهل مجرد ناماست که امکانات مالی خوبی دارند و با مجرد نشان دادن خود به‌دنبال دوستی و ارتباط کوتاه‌مدت هستند که به‌گفته خودشان تا بیایی دروغ‌هایشان را متوجه شوی فریب خورده‌ای. کافی است کمی جدی باشید و حرف از رابطه جدی بزنید؛ به سرعت تعداد زیادی از گزینه‌هایی که فکر می‌کردید خیلی مناسب هستند ناپدید می‌شوند. حالا اگر شما به‌عنوان یک خانم مجرد به این امید باشید که شاید گزینه مناسبی در اینجا پیدا شود و با یک تصمیم قاطعانه، به‌جای سؤوال‌های تکراری در همان ابتدا اعلام کنید پاسخ می‌دهند: «دنبال شوهری؟ جای اشتباهی اومدی…» اصلاً کلیس‌دوازه «دواج» برایشان خنده‌دار است.

افرادی هستند که در راهروی مراکز پیوند تردد می‌کنند و نیازمندان به عضو را شناسایی می‌کنند. مثلاً متوجه می‌شوند که اختصاص «کلیه» و پیوند آن در دست وزارت بهداشت است و حتی دیگر از طریق انجمن حمایت از بیماران «کلیه» هم این اتفاق نمی‌افتد. تمام کارها زیر نظر وزارت بهداشت است. به همین دلیل امکان پیوند خارج از این چرخه نیست. برای ما هم این امکان وجود ندارد. منتشرکنندگان این آگهی‌ها را شناسایی کنیم و آنها را به پلیس معرفی کنیم.

عجیب‌ترین اتفاقی که تاکنون شنیده‌اید، چیست؟
قلب، عجیب‌ترین آن است. فروش قرنیه هم عجیب است اما منجر به مرگ فرد نمی‌شود؛ چراکه یک نسج به شمار می‌رود و می‌توان به طور کامل، آن را برداشت اما فرد نابینا می‌شود. به هر حال انتشار این آگهی‌ها به شدت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این نشان می‌دهد که مردم هنوز آگاهی لازم در این زمینه ندارند.

عکس همشهری امیررضوی